

علم و اجتماع

نظری به استفاده‌هایی که از روانشناسی میشود

قبل از اینکه از خدمات روانشناسی یا اجتماع بحث شود، مناسب نیست چند کلمه‌ای در خصوص مفهوم کلمه روانشناسی و موضوع این علم گفته شود. روانشناسی را مادر مقابل کلمه psychologie بکار می‌بریم که در اغلب زبانهای اروپائی با اختلاف تلفظ رایج است. نویسندگان ما از این علم به معرفه النفس، علم النفس و غیره یاد کرده‌اند. موضوع این علم، چنانکه امروزهست، شخصیت انسانست اهم از افکار و اعمال او اما وقتی از روانشناسی صحبت میکنیم باید از يك اشتباه برکنار باشیم و آن اینکه تصور کنیم این علم از بقایای روح بحث میکند یا به روحی مجزی از بدن معتقد است. چنین بحثی به فلسفه و دین مربوطست و روانشناس اصلا در این بحث وارد نمیشود. موضوع روانشناسی شخصیت انسانست که در آن بدن و روح از هم جدا شدنی نیست و يك واحد حیاتیست. روانشناسی جدید شعبه ایست از علوم طبیعی و روش آن حس و تجربه است.

با آنکه از ابتدای تاریخ تمدن، بشر از ذهن و روح خود بحث کرده است تا آغاز قری بیستم میلادی روانشناسی در همان وضعی بود که علم فیزیک پیش از کالیله و علم شیمی پیش از لاولوازیه یعنی شعبه‌ای بود از فلسفه. روانشناسی امروز به روانشناسی صد سال پیش همانقدر کم شبیه است که فیزیک امروز بحکمت طبیعی عهد فارابی. روانشناسی جدید وقتی آغاز شد که مشاهده و تجربه و اندازه گیری دقیق جای تعقل و خیالبافی را گرفت. در ایجاد این علم علمای آلمان در اواخر قرن نوزدهم میلادی سهم بزرگی داشتند.

با وجود اینکه روانشناسی جدید نسبت بسایر علوم بسیار جوان است و تازه کار، با اختراعات و اکتشافاتی موفق شده است که در زندگی روزمره اجتماع تأثیرات فراوان کرده. در این مختصر منظورم بیان اصول علمی این اکتشافات نیست بلکه ذکر بعضی از فوایدیست که در نتیجه این اکتشافات باید اجتماع شده است.

یکی از اکتشافات روانشناسان که تأثیر وسیع و عمیقی در اجتماعات متدین مغرب زمین کرده است توفیق آبان در اندازه گیری دقیق هوش و سایر استعدادهای آدمست. اختراع و سایر دقیق برای سنجش این استعدادها هم از لحاظ ایجاد وسیله برای تحقیق علمی و پیش بردن علم اهمیت دارد و هم از لحاظ فواید عملی که بر آن مترتب شده است.

وسائل سنجش استعدادها که به اصطلاح آنرا تست test می‌گویند اساس ساده ای دارد. فرض کنید پس از مشاهده عده زیادی بچه‌های دوساله متوجه شدیم اغلب آنها می‌توانند دست چپ را از دست راست تشخیص دهند و تا عدد ده بشمارند و

نان شیرینی را از توی جمبه بیرون آرند و الی آخر... حال اگر ابرج را که دو سال دارد آزمونیم و دیدیم که گذشته از این ها میتواند کارهایی را انجام دهد و چیزهایی بفهمد که معمولا از قدرت بچه های دو ساله بیرون است می گوئیم سن هوشی ابرج بیش از دو سال است یعنی از بچه های دو ساله عادی باهوش تر است. اصول امتحانات هوش اینست. نهایت اینکه بین مثالی که آوردم و امتحانات هوشی که با دقت فنی و محاسبات دقیق ساخته شده همان فرق هست که بین آسیای دهکده و یک ایستگاه مجهز هیدروالکترونیک گرچه در هر دو آب چرخ میچرخاند.

تست یا آزمایش هوش ابتدا بنظر طبقه بندی کودکان مدارس و تشخيص هوشمند از کودن بوجود آمد و امروز در رشته های مختلف تربیت اهمیت شایان یافته است. مثلا دانشگاههای معتبر امریکائی تنها کسانی را که از عهده تست های مشکل بر آیند یعنی از لحاظ هوش فوق العاده باشند می پذیرند. در انگلستان تقریباً همه مدارس متوسطه دولتی که مقدمه دانشگاهند تنها شاگردانی را می پذیرند که در این آزمایشها نتایج عالی بدست آورند و نشان دهند هوش بیش از متوسط که برای درک مطالب عقلی و تعقیب علوم عالی لازم است دارا هستند.

اما روانشناسان تنها به آزمایش هوش کلی اکتفا نکرده و برای کلیه استعداد های مختلف و سائل سنجش و اندازه گیری تهیه کرده اند. در تربیت، از این وسائل برای راهنمایی کودکان در انتخاب شغل و حرفه استفاده های شایان میکنند. در جنگ اول جهانی اول بازارش ممالک متحده آمریکا از تست های هوش در انتخاب افراد استفاده کرد و نتایج قابل ملاحظه بدست آورد. در جنگ اخیر جهانی هزاران روانشناس در ارتشهای آمریکا و انگلستان و سایر دول جنگا و ریکار مشغول بودند. انواع و اقسام وسایل آزمون و سنجیدن استعدادهای مختلف را تکمیل کردند بصورتی که مثلاً زسه داوطلب و رودبه نیروی هوایی روانشناس معین میکرد کدامیک برای خلبانی مناسب است کدام برای تیراندازی و کدام برای مکانیکی.

امروز صاحبان صنایع و تجارتخانه های بزرگ در استخدام افراد مناسب برای کارهای دقیق از روانشناسان استفاده میکنند. دولت انگلستان در استخدام کارمندان دولت بخصوص برای شغل های حساس از قبیل کارمندی وزارت امور خارجه داوطلبان را بوسیله امتحانات مفصل و پیچیده روانشناسی انتخاب میکند. مختصر آنکه چه در تربیت و چه در ارتش و چه در صنعت و تجارت اجتماعات مغرب زمین متوجه شده اند که باید برای هرفرن و حرفه ای شخص مناسب را برگزینند و این انتخاب کار بست فنی که در آن از روانشناس کمک می گیرند.

برای اینکه با اهمیت حیاتی انتخاب دقیق افراد واقف شوید مثالی می آورم: شاید شنیده اید که مرضی هست با سم کوری رنگ. مبتلایان باین مرض از هر لحاظ عادی هستند جز اینکه بین رنگهای قرمز و سبز خوب نمیتوانند فرق بگذارند. فرض کنید راننده قطاری که بدون دقت انتخاب شده باین مرض مبتلا باشد. پیدا است چون نمی تواند چراغ قرمز و سبز را از هم تمیز دهد جان صدها نفر مسافرا را بخطر خواهد انداخت. از این مثال ساده می توانید قیاس کنید که اگر مبتلای بمرض شدید تر از کوری رنگ زمام اجتماعی را در دست گیرد اجتماع از اینکه در انتخاب راننده خود دقت نکرده است چه زبانها خواهد دید. گذشته از استفاده ای که از تستها در فن تربیت میشود می توان گفت روانشناسی

علمی بکلی فن تربیت را منقلب کرده است. بکار بردن قوانین یادگیری، توجه به اهمیت تناسب و سازش عاطفی و ذوقی طفل با مدرسه و مواد درسی، اصلاح برنامه های مدارس بصورتیکه مناسب با قدرت عقلی طفل باشد، تحقیق در روش تدریس، و معالجه کود دانی که با مشکلات گوناگون مبتلا میشوند بعضی از خدمات روانشناسی به تربیت است و اصولاً تربیت علمی جدید بر پایه روانشناسی استوار است.

در صنعت و در فن اداره از روانشناسی استفاده های شایان می شود. مرتب کردن کارهای پیچیده بصورتیکه هم سرعت و دقت عمل بیشتر شود و هم کارگزارانی تر و خوشنود تر باشد، تحقیق در داعیه ها و امیال و آرزوهای کارگران نه تنها تولید محصول را بالا برده بلکه کار را گوار تر و انسانی تر کرده است.

در سالهای اخیر روانشناسان برای سنجش ذوق و امیال و آرزوها و اعتقادات نیز وسائل دقیق ساخته اند بصورتیکه با سنجش عدد کمی که از نظر علم آمار میتواند نمونه اجتماع محسوب شود میتوانند از ذوقها و علاقه ها و اعتقادات اجتماع اطلاع حاصل کنند. این پیشرفتها در کشورهای که در آن حکومت بر عقاید عامه مبتنی است برای ایجاد مکرر اساسی واقعی میتواند مؤثر واقع شود.

از این روشها برای تحقیق در علل اختلافات گروهها و نزاعها و ملل باهم استفاده میکنند. سازمان تربیتی و فرهنگی ملل متحد دائره ای دارد که کار او تحقیق در علل اختلافات بین اجتماعات است که اساس جنگ و برخورد های بین المللی است و تا کنون این دائره تحت نظر روانشناسان معروف کارهای بسیار جالب توجهی انجام داده است.

شاید مهمترین موفقیتی که نصیب علم روانشناسی شده و مسلماً یکی از مهمترین موفقیت های علم در قرون جدید اکتشافات استاد زیگموند فروید است که مجموعه آنها با نام پزیکو آنالیز یا تحلیل روح یا با اصطلاح فارسی روانکاوی معروف است. اکتشافات فروید از لحاظ اهمیت تنها با اکتشافات کپرنیک و داروین قابل مقایسه است. فروید قبل از همه چیز این حق را برگردن علم دارد که قاره جدیدی برای علم کشف کرد.

تا زمان او روانشناسان معتقد بودند که موضوع علم آنها تنها افکار و اعمال انسانیست بصورتیکه از آن آگاهییم و بحس مادرمی آید. فروید ثابت کرد که در ورای عالم هشیاری عالمی هست بر مراتب از آن وسیعتر و از لحاظ تأثیرش در شخصیت ما از آن با اهمیت تر. علم پزیکو آنالیز را که فروید ایجاد کرده است باید از دو لحاظ مورد مطالعه قرار داد: یکی از لحاظ روش تحقیق علمی و دوم از لحاظ نتایجی که بدست آورده است. روش فروید دانشمندان را موفق کرد با عماقی از روح انسانی دست یابند که حتی تصورش قبل از آن در ذهن آنان نبود. مهمترین نتیجه ای که بدست آورد اثبات این نکته بود که آن قسمت از روح ما که از آن آگاهی نیستیم در ما تأثیرات فراوان و عمیق دارد. کشف این نکته بود که فروید را موفق کرد کلید بسیاری از امراض روحی را پیدا کند و این قسمت طب یعنی معالجه امراض روحی را که از عهد جالینوس تا زمان او پیشرفت قابل ملاحظه نکرده بود یکباره منقلب کند.

همانطور که گالیله و کپرنیک نشان دادند حرکات عالم مادی نظم و قاعده ای دارند که می شود کشف و بیان کرد و همانطور که داروین تکامل حیات را از یک اصل مشترک نشان داد، فروید نیز نشان داد که روح انسانی تابع نظم و تربیتی است که میتوان با همت قواعد آنرا کشف کرد. شاید این نکته بیش از هر نکته دیگری اصحاب دین و فلسفه

را که نهائی می خواستند روح شراره ای از عالم علوی باشد و به تزییقات و حد و دعاله ماده دچار نباشد آشفته کرد. لاجرم به عناد با او برخاستند زیرا بت مورد پرستش آنان را شکسته بود...
 فروید نشان داد که عالم رؤیا که ظاهر آفشوش و بی معنی بنظر می رسد در واقع چنین نیست و خوابهای ماقواعدی دارد که می شود کشف و بیان کرد، نه الهام آسمانیست و نه تلقینات شیطانی. با توضیح و توجیه رؤیا فروید موفق شد نشان دهد قصه ها و اساطیر و معتقدات دینی و رسوم قبایل ابتدائی همه دارای معانی و مفاهیم عمیقی است که از آن هائل بوده ایم.

در این مختصر حتی فرصت بیان اجمالی اصول عقائد فروید نیست همینقدر باجمال باید گفت که اکتشافات فروید در کلیه علوم اجتماعی از انسان شناسی گرفته تا حقوق و علم الجبال تأثیر عمیق کرده و بر همه این علوم راههای نو گشوده است.

از لحاظ عملی خدمت بزرگ فروید راه نو بست که در معالجه بسیاری از امراض روحی کشف شده است و اصولاً این رشته طب ساخته ذهن روشن اوست. شش سال پیش که کنگره بین المللی امراض روحی در لندن تشکیل شد و مرانیز توفیق شرکت دست داد تأثیر فروید در کلیه خطابه هائی که اطباء ملل مختلف میکردند حیرت آور بود و امروز محقق است که هیچ دانشمندی در زمان حیات خود تا این حد در افکار جهان معاصرش مؤثر واقع نه شده است.

امامت آسفاته عناد و سرکشی بسیاری که فروید بنهای آنانرا شکسته بود و کم فهمی عمده دیگری که امیال نهائیشان بر عقلشان چیره شده است موجب شده است تصورات باطلی را جمع به مکتب فروید در اذهان عامه بوجود آید. از این قبیل است این شایعه که فروید شهوت را اساس فعالیت های انسان می داند و یا معتقد است که کف نفس موجب مرض میشود و اباطیل دیگری از این قبیل.

این موارد مثال کاملی است از آنچه فروید «دلیل تراشی» خوانده است یعنی کسانی که واقفاً آرزوی زمام کسبختگی دارند اعتقاد خود را با ونسبت می دهند تا خود را معذور دارند. از اینرو تند کر این نکته را واجب میدانم که برای خبر یافتن از عقائد فروید باید به آثار خود او رجوع کرده با چه را جمع با نوشته اند.

فروید پس از سقراط آدمیان را متوجه این حقیقت کرد که تا خود را نشناسند دیگران را نمی توانند شناخت و از شناختن طبیعتی که محیط بر آنهاست فایده حقیقی نمی توانند برد. اینست که برای تأمین صلح جهان ناچار باید با خود صلح کنیم.

محمود صنایعی